



آهنگ‌سازی با کوک تنبور

۲ اثر موسیقایی برادران طهرانی‌پور آماده انتشار است



شکلیا افخمی راد
sh.afkhami@shahraneews.ir

ابراهیم طهرانی‌پور نوازنده تنبور و آهنگ‌ساز مشهدی که سال ۹۶ آلبوم «بی‌محابا» را در همکاری با محمد معتمدی، منتشر کرده‌بود، قرار است به زودی اثر جدیدی به آهنگ‌سازی مشترک خودش و برادرش امیرحسین طهرانی‌پور را منتشر کند. او درباره چگونگی شکل‌گیری این آلبوم به شهرآرآ خبر داد: «در این دو سال که از انتشار آلبوم «بی‌محابا» می‌گذرد من مشغول آموزش ساز تنبور و دف به صورت جدی‌تر بودم و تألیفات و آموزش‌هایی را مدون کردم و امیدوارم در آینده‌ای نه چندان دور بتوانم آن‌ها را منتشر کنم. همچنین در این مدت نقاط مشترک خوبی با برادرم در حوزه موسیقی پیدا کردیم و تصمیم گرفتیم قطعات را با یکدیگر آهنگ‌سازی کنیم و بسازیم.»

این هنرمند خاطر نشان کرد: «سال گذشته برادرم امیرحسین قطعه‌ای به نام «حسرت دیدار» را با شعر سیمین بهبهانی آهنگ‌سازی کرد که محسن حشمتی‌راد آن را خواند. بعد از آن من به آقای حشمتی پیشنهاد دادم که در صد تولید آلبومی با صدای خودش باشد چون باورم این بود که او توانایی‌اش را دارد. به این صورت همکاری من و امیرحسین با این خواننده جوان برای انتشار یک آلبوم شکل گرفت.»

او با اشاره به اینکه هنوز نام این آلبوم مشخص نیست گفت: «اکنون مراحل پایانی میکس و مسترینگ این مجموعه در حال انجام است و قرار است آن را بعد از اخذ مجوزهای اداره ارشاد در مردادماه رونمایی و منتشر کنیم.»

به گفته طهرانی‌پور این آلبوم شامل ۶قطعه با کلام و یک قطعه بی‌کلام است و از اشعار شعرای بزرگ ادبیات چون حافظ، مولانا، عطار، ملک شعرای بهار و سیمین بهبهانی در آن استفاده شده‌است. همچنین بهترین نوازنده‌های مشهد در این اثر ساز زده‌اند.

این هنرمند با تأکید بر اینکه افراد زیادی چون حامد طاهری، حجت حسینی و حمید شاه‌میرزایی برای انتشار این اثر زحمت کشیده‌اند درباره سبک و حال و هوای آن نیز توضیح داد: «دو ترک این آلبوم در ژانر موسیقی اصیل ایرانی ساخته شده که از شعرهای مولانا و ملک شعرای بهار در یک قطعه‌ها و سروده عطار در آهنگ دیگر استفاده شده‌است. ۳ قطعه دیگر نیز در فضای موسیقی عرفانی با محوریت ساز تنبور آهنگ‌سازی شده‌اند که یکی از آن‌ها بی‌کلام است و دو ترک دیگر روی اشعار حافظ و مولانا آهنگ‌سازی شده‌اند.»

به گفته او دو قطعه از این آلبوم نیز که بر روی اشعار سیمین بهبهانی و حافظ آهنگ‌سازی شده‌اند دارای ریتم شادتری هستند که باعث تفاوت آن‌ها با سایر ترک‌های آلبوم شده‌است.

طهرانی‌پور همچنین درباره دیگر پروژه‌های موسیقایی خود توضیح داد: «این روزها در حال آماده‌سازی آلبوم دیگری با آهنگ‌سازی محسن عاقل و خوانندگی خودم هستیم و امیدواریم بتوانیم آن را تا آخر اسماel یا اوایل سال بعد منتشر کنیم. همچنین همراه برادرم آهنگ‌سازی یک آلبوم بی‌کلام را شروع کرده‌ایم. ما در این اثر می‌خواهیم قابلیت‌ها و توانایی‌های ساز تنبور چه در ترکیب با سازهای ایرانی و چه تلفیق آن با سازهای کلاسیک و غربی را نشان دهیم.»

او همچنین از تشکیل گروه تنبورنوازان «سول مست» خبر داد: «ما با تشکیل این گروه و برگزاری کارگاه‌های پژوهشی در مشهد توانستیم تنبور را بیش از پیش معرفی کنیم. همچنین یک کلیپ تصویری را در مدرسه غیانی شهرستان خواف به یاد یکی از استادان بزرگ تنبورنوازی منتشر کردیم.»

به گفته طهرانی‌پور قرار است تا آخر تابستان با گروه تنبورنوازان کلیپ دیگری در یکی از بناهای تاریخی استان خراسان نیز ضبط و منتشر شود.

شهرآرآ

روزنامه شهرامید وزندگی

۳شنبه ۲۶ خرداد ۱۳۹۶ ۲۲ شهریور ۱۳۹۶ ۲۳ شهریور ۱۳۹۶

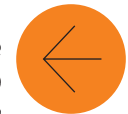
SHAHIRANEWS.IR

۱۴



فره‌نگ

سرانجام خانه‌نشینی مرگ بود



این هنرمند که چند سالی درگیر بیماری بود، خرداد سال گذشته ویدئویی از روی تخت بیمارستان منتشر کرد که باز خورد زیادی در فضای مجازی داشت. او در این ویدئو با اشاره به توانایی‌های خود حتی در سن بالا از نایده گرفته شدن از سوی کارگردانان گله کرد و همچنین گفت علت بیماری‌هایش رابطه مستقیمی با خانه‌نشینی و فعالیت نداشتنش در عرصه بازیگری دارد. او در آن ویدئو با بغض از توانمندی‌هایش گفت: «هنوز می‌توانم کار کنم، هنوز می‌توانم

صفحات را حفظ کنم، از شما کارگردانان می‌پرسم چرا من بیکارم؟ چرا مرادور انداختید؟ بگذارید تا زنده‌ام دوباره کار کنم…» صدیقه کینافر بازیگر پیش‌کسوت سینما و تلویزیون صبح روز گذشته پنجم خردادماه در سن هشتادوهشت سالگی به علت ایست قلبی درگذشت. کیانفر حدود ۶۰سال از عمرش را صرف هنر کرد و در رادیو، تلویزیون و سینما خاطرات زیادی برای مردم ساخت.



فعالیت حرفه‌ای‌اش را با گویندگی و اجرای نمایش در رادیوی نفت آبادان آغاز کرد و از سال ۱۳۵۳ به تلویزیون راه پیدا کرد و با فیلم‌سینمایی «بحران» ساخته علی‌اصغر شادروان در سال ۱۳۶۶ به سینما راه یافت. دو سال بعد او توانست با نقش آفرینی در فیلم «هامون» به کارگردانی داریوش مهرجویی، نامش را در یکی از به یادماندنی‌ترین آثار سینمایی ایران ثبت کند. «مجنون»، «آپارتمان شماره ۱۳»، «مأموریت آقای شادی»،

هیاهوی «همایون»

در حاشیه کنسرت مجازی «نسیم وصل» شجریان در تالار وحدت تهران



امیرمنصور رحیمیان

زندگی با موسیقی

روز یکشنبه ۴ خرداد ماه، ساعت ۲۱، «همایون شجریان» یکی از خوانندگان پرطرفدار کشورمان کنسرت آنلاینی با عنوان «نسیم وصل» با همراهی «ارکستر مجلسی تهران» به رهبری «بردیا کیارس» و همکاری یکی از اپراتورهای تلفن همراه برگزار کرد. کنسرتی که از همه جوانب به نظر خوب و دلچسب می‌آمد. فرصتی برابر بود، برای مردمی که دچار خوت، ناامیدی و خوددگی شده‌اند. فرصتی بود تا هنرمند محبوب خودشان را از درپچه مجازی گوشی‌های تلفن همراه و یا صفحه رایانه‌شان ببینند و لذت ببرند و بقیه ماجرا که در این چند خط به تفصیل عرض خواهیم کرد.

به هر روی دیدن حال و هوای تالار وحدت با آن صندلی‌های خالی یک‌مقدار ناخوشایند بود. ولی همین که می‌دانستی این اتفاق همین الساعه در حال وقوع است و هیچ‌کس دیگر هم در سالن حضور ندارد، خودش جای خوشحالی‌داشت. به قول قدما، «عزای عمومی، عروسی است!» اما مثل هر کار دیگری که خوب بن‌دیم در آن بد باشیم، این یکی هم با نقص‌های زیادی همراه بود. واکنش نشان دادن به اتفاقاتی که در جامعه و برای مردم می‌افتد، یکی از اصول و وظایف رسانه‌هاست. یک چیزهایی را نمی‌شود دید و همین‌طور زیر سیبلی رد کرد. همان‌طور که نمی‌شود بدون در نظر گرفتن سرعت اینترنت، حجم بالای دیتا، قدرت پاسخ‌گویی و زیر ساخت‌ها، کنسرتی برگزار کرد و اسمش را «صحنه‌ای به وسعت ایران» گذاشت و از مردم بابتش پول گرفت. کنسرتی که به ظاهر بدون حضور فیزیکی تماشاگران بود و در باطن، حدود هشتاد نفر از اصحاب و خاصان در آن حضور داشتند. نمی‌دانم که گردش دوربین روی آن‌ها از روی سهو بوده است یا از روی عمد، ولی یک سؤال پیش می‌آید و آن اینکه کرونا آن

هشتاد نفر را مبتلا نمی‌کند که در صحنه حضور دارند؟ کرونا فقط مال بقیه مردم است که باید در خانه بمانند و از گوشی‌های تلفن همراه شاهد از دست دادن پولشان و کنسرت مورد علاقه‌شان باشند؟ تا وقتی حرکتی نکنیم متوجه کاستی‌ها و نقص‌های کار نمی‌شویم. اگر کنسرتی برگزار نمی‌شد این انتقادها هم اصلا جایی نداشت ولی حالا که برگزار شده و تعداد آدم‌هایی که آن‌را دیده‌اند و ندیده‌اند! هم آن قدر زیاد هست که نمی‌شود نقص‌های کار را لا‌پوشانی کرد. این گردهمایی‌سازها، آن قدرها هم بد نبوده ولی برای دیدن بازخوردش، ارجاعتان می‌دهم به صفحه اینستاگرام همایون شجریان. جایی که همه می‌توانند نظرشان را بدون ممیزی اعلام کنند. آنجا می‌توانید دقیقاً متوجه ایرادات کاری که انجام شده است، بشوید. حجم بالای مخاطبان، برای تماشای کنسرت که به گفته اپراتور تلفن همراه میزبان این اجرا،

بالغ ۷۱۰ هزار نفر در لحظات ابتدایی بوده، موجب غافل‌گیری عوامل و بروز این اشکالات از جمله قطعی چندین باره برنامه حین اجرای زنده شده بود. این موضوع باعث شد که زیر تصاویری که در اینستاگرام حامی مالی برنامه منتشر شده است مخاطبان کنسرت «نسیم وصل» انتقادات خود را مطرح کنند. نظراتی که بیش از همه مورد توجه قرار گرفته و به اصطلاح لایک بیشتری خورده است درباره مدیریت ضعیف این کنسرت و درآمدزایی آن است. با یک حساب کتاب ساده می‌توان دریافت حامی مالی این برنامه ۷میلیارد و ۱۰۰ میلیون تومان عایدی داشته است. اگر قرار بود همین کنسرت با حضور تماشاگر و با ظرفیت حداکثری ۲هزار نفر برگزار شود همایون شجریان باید حداقل ۲۰ شب به روی صحنه می‌رفت.

همچنین طی روزهای قبل از برگزاری کنسرت، حجم وسیعی از

تبلیغات، چه در شبکه‌های اجتماعی و چه در بیلبوردها، سراسر تهران و شهرستان‌ها را پوشش می‌داد. تعداد بالایی از مخاطبان نیز برای عضویت در سامانه حامی برنامه، پول پرداخته بودند. ماجرای که پیش از این حداقل در بسیاری از کنسرت‌های آنلاین وجود نداشت و تماشای آن‌ها کاملاً «رایگان» بود.

این اختلالات به اندازه‌ای بود که پس از اجرای کنسرت، شرکت حامی برنامه اعلام کرد: «علاقه‌مندانی که به دلیل استقبال گسترده موفق به مشاهده این کنسرت نشده‌اند، می‌توانند طی دو نوبت روزهای آینده، پخش مجدد آن را از طریق تلویزیون تعاملی لنز مشاهده کنند.» همچنین حامی مالی برنامه در پاسخ به این اعتراضات در صفحه اینستاگرام خود با عذرخواهی از هواداران همایون اعلام کرد این کنسرت تا ۱۳ خرداد پخش می‌شود. و مبلغ حق اشتراک به حساب کاربرانی

سینمای چموش تجربی

نگاهی به فیلم «اُئو» ساخته اصغر یوسفی نژاد

محمد عنبرسوز

زندگی با سینما

یکی از فیلم‌های متفاوت سینمای ایران در سال‌های اخیر را اصغر یوسفی نژاد ساخته که سر و شکل اثر و صحبت‌های عوام‌لش، به ما اجازه می‌دهد آن را یک فیلم تجربی بدانیم. «اُئو» اما از جهات مختلف، ادعای اصلی خود را به هیچ می‌گیرد و دلش نمی‌آید به ساختار تجربی پایبند بماند. بدین ترتیب، رگه‌های تقلیدی و انسجام نداشتن در لحن فیلم، امکان تبدیل شدن «اُئو» به اثری مهم و ماندگار در سینمای ایران را از آن سلب می‌کند. سینمای تجربی که برخی آن را آوانگارد هم می‌نامند، به فیلم‌هایی اطلاق می‌شود که تعدداً به جریان اصلی و رایج سینما پشت می‌کنند و بازی را گذاشتن قواعد فیلم‌سازی رایج و عرفی، فرم متفاوت خود را که مبتنی بر تجربه فیلم‌ساز است، به مخاطب عرضه می‌دارند.
خصایص دیگری همچون هز بنه پایین تولید، استفاده از بازیگران تئاتری یا چهره‌های ناشناخته‌ای که ممکن است حتی نابازیگر باشند، پرهیز از قصه‌گویی صرف، امتناع از محوریت دیالوگ‌نویسی به سبک داستان‌های رادیویی و پررنگ بودن نقش کارگردانی که با هدایت تجربی دوربین، اثر خود را فرم می‌بخشد، از دیگر ویژگی‌های این سبک فیلم‌سازی است.

مخاطب در نخستین رویارویی خود با «اُئو» این فیلم را اثری تجربی به معنای

مرسوم کلمه می‌یابد؛ چرا که نام فیلم و زبان ترکی آن، انتخاب‌هایی شجاعانه برای فیلم‌ساز به شمار می‌روند. علاوه بر این، هیچ بازیگر معروفی هم در «اُئو» بازی نمی‌کند و چهره‌های بومی در این فیلم برای نخستین بار جلوی دوربین رفته‌اند. شیوه فیلم‌برداری اثر در دقایق ابتدایی کاملاً متفاوت به نظر می‌رسد و تا این‌جای کار، مخاطب می‌تواند لقب تجربی را برآزنده این سبک از دکوپاژ بداند. «اُئو» به لحاظ زمانی نیز حدوداً پانزده دقیقه از استاندارد فیلم‌های ایرانی کوتاه‌تر است تا از این طریق هم بی‌اعتنایی خود به استانداردهای رایج را به مخاطب گوشزد کند. داستان در دقایق ابتدایی به شکلی روان و بدون تکلف عرضه می‌گردد و مخاطب درمی‌یابد که پدری تازه در گذشته، در زمان حیاتش وصیت کرده پیکرش را برای تشریح به دانشکده علوم پزشکی اهدا کند؛ اما دخترش که پس از چند سال به خانه پدری برگشته، سرسختانه با این اتفاق مخالف است و اجازه انتقال جنازه را نمی‌دهد. تا این‌جای کار همه چیز با دقت و ظرافت پیش می‌رود و فیلم یوسفی‌نژاد کاملاً مناسب معرفی شدن به عنوان نمونه «سینمای مستقل و تجربی» به نظر می‌رسد. سیر پیشروی «اُئو» اما، نمی‌تواند استقلالش را از الگوهای رایج حفظ کند و به مرور دچار انحرافاتی می‌شود. تکنیک تصویربرداری که فیلم‌ساز سعی می‌کند آن را تعدداً با کلوزآپ‌های اغراق شده و لرزش بیش از حد دوربین به رخ مخاطب بکشد، به ثبت

اثر انگشت کارگردان با هدایت تجربه‌گرایانه دوربین منجر نمی‌شود. تمام آنچه برخی منتقدان نوآوری فرمی در «اُئو» دانسته‌اند، عملاً چیزی نیست جز دو شاخصه استفاده از دوربین روی دست به منظور انتقال التهاب و بهره‌گیری از روش سکانس پلان که نمونه‌هر دو تمهید مذکور را قبلاً در آثار

مختلف فیلم‌سازان ایرانی و خارجی دیده‌ایم. چنین روش‌هایی نه تنها نوآوری محسوب نمی‌شوند، بلکه صرف تلفیق چند روش از پیش موجود، با ایجاد تغییراتی مختصر در آن‌ها به منظور خلاقانه به نظر رسیدن، است. یوسفی‌نژاد برای فیلمش چیزی بین سکانس پلان کامل و شکل متعارف استفاده



از کات در سایر آثار سینمایی را انتخاب کرده. حاصل این تلفیق، سکانس پلان‌هایی نسبتاً طولانی است که با کات‌هایی معمولی از هم جدا می‌شوند و هم‌زمان سعی دارند این تکنیک‌های عاریتی و تلفیقی را به عنوان نوآوری اصیل سینمایی، به مخاطب قالب کنند.

«همسر»، «جوانی» و «من زمین را دوست دارم» از دیگر آثار سینمایی هستند که کیانفر در طی این سال‌ها در آن‌ها نقش آفرینی کرده‌است. آخرین بازی این هنرمند در فیلم‌های سینمایی نیز به سال ۱۳۹۸ و فیلم کودک و نوجوان «پیشی میشی» ساخته حسین قناعت برمی‌گردد که در صفا ارکان است. کیانفر در سال‌های فعالیتش در مجموعه‌های تلویزیونی حضور پررنگ‌تری داشت که از جمله «همه بچه‌های من»، «بی‌گناهان»، «میوه ممنوعه»، «رسم عاشقی» و «کیمیا» اشاره کرد.